

تربیت

جنسی

کودک

و

نوجوان

دکتر علی اصغر احمدی

بخش اول

مقدمه

زندگی و شخصیت انسان، دارای وجوه و جنبه‌های بسیار متنوع است و این خود حاکی از گستردگی شخصیت آدمی است. در کنار ابعاد گوناگون و جلوه‌های متنوع رفتار انسانی، جنسیت و رفتار جنسی نیز، یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی او را تشکیل می‌دهد. انسان مانند بسیاری از موجودات، از دو جنس ساخته شده است؛ زن و مرد؛ نر و ماده؛ پدر و مادر و... با این تفاوت که در انسان، این دوگانگی تنها در حد یک تفاوت ساده در سطح جسم باقی نمانده، بلکه جلوه‌های بسیار متنوعی را به وجود آورده است که بررسی آن از تمامی ابعاد، می‌تواند یکی از رشته‌های دانش بشری را شکل دهد؛ دانشی با حوزه‌های تخصصی ویژه.

یکی از این حوزه‌ها را باید در تربیت جنسی جست‌وجو کرد. تربیت جنسی، از زمینه‌های بسیار مهم و گسترده علمی است که در بسیاری از جوامع، به ویژه در جامعه ایرانی، مورد غفلت قرار گرفته است. تربیت جنسی در ساده‌ترین بیان، شامل تمامی اقداماتی است که تعلیم و تربیت یک جامعه می‌باید برای انتقال کودکان از جایگاه یک دختر یا پسر به جایگاه یک خانم یا آقا انجام دهد. نوزادی که هنگام تولد با جنسیتی تفکیک یافته به دنیا می‌آید، در آینده‌ای نه‌چندان دور باید در جایگاه یک خانم یا آقا و در جایگاه یک زن یا شوهر ایفای نقش کند.

پدرانی که از موضع ظاهراً خیرخواهانه آمادگی خود را برای ازدواج پسر خود به محض اظهار تمایل او اعلام کنند، در حقیقت، رفتار جنسی را در حد یک رفع نیاز بدنی تقلیل می دهند. این گونه پدران گویی نمی دانند که آمادگی های شناختی، عاطفی، مهارتی و اجتماعی هم لازمه ازدواج و انجام رفتار جنسی است

بود. حیوانات و مرغان خانگی و دیگر پرندگان و چرندگان، در عمل هویت و رفتار جنسی را به کودکان و نوجوانان می آموختند. حتی مراسم ازدواج به گونه ای انجام می گرفت که جنبه آموزشی داشت. در عروسی ها همگان از اتفاقاتی که در آن شب قرار است بیفتد باخبر می شدند. انتظار کشیدن پشت در حجله را، نه تنها افراد متأهل فامیل شاهد بودند که مجردها نیز، کمابیش، آن را متوجه می شدند. برای داماد ساقدوش و سُلدوش تعیین می کردند و این دو نقش آموزش دهنده نیز داشتند.

چنین شرایطی، به ویژه در جوامع شهری، از حدود چهار دهه قبل، به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران، به کلی دستخوش دگرگونی شد. در واقع، بعد از انقلاب، با دینی تر و اخلاقی تر شدن فضای جامعه، به تدریج هرگونه سخن یا دلالتی بر مسائل جنسی، از روابط میان نسلی برچیده شد. هرگونه سخن یا ضرب المثلی که بر وجود رابطه جنسی بین زن و مرد دلالت می کرد به شدت سانسور شدند. محیط زیست بسیاری از مردم، به دلیل رواج روزافزون شهرنشینی و زندگی آپارتمانی، از طبیعت فاصله گرفت. به این تصور دامن زده شد که وجود هرگونه دلالتی بر رفتار جنسی موجب انحراف کودکان و نوجوانان می شود؛ و این اندیشه ای است که هنوز هم جریان دارد. برای مثال، در یکی از مدارس تهران، تعدادی کبوتر را برای آشنا کردن کودکان به زندگی حیوانات در قفسی نگه داری می کردند. گویا برخی از پدر و مادرها به وجود این کبوترها به دلیل انجام رفتار جنسی در مقابل کودکان، که به زعم آنان موجب بدآموزی می گردید، اعتراض و توصیه کرده بودند که کبوترها را به جای دیگری منتقل کنند.

رسیدن به چنین جایگاهی نمی تواند بدون برنامه، به خوبی به انجام برسد. تعلیم و تربیت باید برای این انتقال، برنامه ای تدریجی و تحولی داشته باشد که همان تربیت جنسی است.

در نگاهی دقیق تر باید گفت که جنسیت انسان در دوزمین تجلی گسترده پیدا می کند؛ رفتار جنسی و هویت جنسی.

رفتار جنسی، رفتاری است فردی و تعاملی بین زن و مرد. انجام این رفتار نیاز به آمادگی و مهارتی گسترده دارد. یک دختر یا پسر، برای ایفای چنین نقشی در آینده احتیاج به کسب آمادگی های بسیار ظریف و رشد همه جانبه دارد. نوزاد انسانی، به هنگام تولد، مختصات بدنی یک مرد یا زن را به شکل ظاهری و بهتر است بگوییم اولیه داراست. ولی این مختصات باید تحول یابد و با سایر جنبه های شخصیتی او هماهنگ شود تا بتواند خود را به شکل کمال یافته، در رفتار جنسی تجلی بخشد. تمامی وظایفی که تعلیم و تربیت باید برای گذر دادن کودک از یک موجود بالقوه به یک موجود بالفعل، در اجرای رفتار جنسی، انجام دهد بخشی از تربیت جنسی را می سازد.

و اما **هویت جنسی** نیز بخش مهمی از شخصیت انسان را تشکیل می دهد. هر کودک هر چند که در بادی امر جنسیت مشخصی دارد، لکن برای رسیدن به هویت زنانه یا مردانه باید تحت تعلیم و تربیت قرار گیرد. تمامی اقداماتی که برای این انتقال لازم است بخش دیگری از تربیت جنسی را می سازد.

ضرورتی دیگر نیز پرداختن نظام دار به تربیت جنسی را تشدید می کند. در طول قرون گذشته، در تعلیم غیررسمی جامعه ایرانی تربیت جنسی به نوعی جریان داشته است. در زندگی روزمره مردم دلالت های گوناگونی هم بر نحوه رفتار و هم بر هویت جنسی وجود داشت. بزرگ ترها، اغلب در قالب، کلمات، عبارات، ضرب المثل ها، شوخی ها و حتی حرف های ناروا مظاهری از رفتار و هویت جنسی را بروز می دادند و طبعاً کودکان و نوجوانان نیز به شکل ضمنی از معنا و مفهوم آن ها برخوردار می شدند. علاوه بر این، محیط زندگی نیز، به دلیل آمیختگی با طبیعت، مشحون از رفتارهای جنسی





تنش‌های ناشی از تعامل‌های اجتماعی غلط که انسان‌ها عموماً با آن مواجه هستند از قبیل توهین‌ها، مسئولیت‌ناشناسی‌ها، دردسرتراشی‌ها، خودپسندی‌ها و بسیاری از رفتارهای آزارنده انسان همگی تنش‌زا هستند، اما یک رفتار جنسی کامل، می‌تواند بسیاری از این تنش‌ها را کاهش دهد

اما این کارها عوارض منفی داشت. سانسور شدید رفتارها و دلالت‌های جنسی طبیعی و غیررسمی موجب قرار گرفتن کودکان و نوجوانان در یک خلأ شناختی و بدفهمی نسبت به این موضوع شد؛ در نتیجه، وقتی در دو دهه اخیر، با گسترش فناوری‌های جدید و پیدایش فضای مجازی بسیار گسترده سیلی از آگاهی‌ها و اطلاعات جنسی آشکار به راه افتاد، انواعی از تعالیم و گرایش‌های متنوع و لجام‌گسیخته به آنان منتقل گردید و در نتیجه موجب آشفتگی شدید ذهنی کودکان و نوجوانان شد. آموزش‌های غیررسمی گذشته و مبتنی بر طبیعت، منبعث از نظریه‌ای منسجم در باب نقش و رفتار جنسی بود اما آنچه امروز در فضای مجازی رایج است، متأثر از نگاه‌های بسیار متناقض در این باره است. برای مثال، در فضای مجازی، هم‌جنس‌گرایی نه تنها انحراف به شمار نمی‌آید بلکه یک گرایش طبیعی و مترقی برای بشر قلمداد می‌شود. در این فضا انواع انحرافات جنسی را، به نوعی با آزادی‌خواهی و مترقی بودن انسان ارتباط می‌دهند. ارتباط‌های خارج زناشویی، ارتباط‌های پیش از ازدواج، ارتباط میان محارم، بردگی جنسی و... در کنار انواع انحرافات از جمله هم‌جنس‌گرایی، فضای حاکم بر دنیای مجازی را می‌سازد. در این فضا کمتر ردپای رفتارهای بهنجار و طبیعی را مشاهده می‌کنیم؛ بلکه نوعی تکثرگرایی از نوع پست‌مدرنیته، و به دور از حاکمیت هرگونه هنجاری بر رفتارهای جنسی انسان، جو غالب این فضا را تشکیل می‌دهد. امروزه بعضاً دیده می‌شود که پاره‌ای از نوجوانان و جوانان نه تنها به هم‌جنس‌گرایی خود اعتراف می‌کنند بلکه آن را نشانه‌ای از روشنفکری خویش به شمار می‌آورند. آرایش کردن این‌گونه پسران و خود را به هیئت دختران در آوردن با فخرفروشی همراه است.

در چنین شرایطی طرح مباحث تربیت جنسی، بیش از آنچه در گذشته بوده، نه تنها مجاز بلکه لازم و ضروری می‌شود. ما باید، مبتنی بر فرهنگ ایرانی اسلامی خود، راهکار ارتباط سالم و بهنجار روابط دختر و پسر یا زن و مرد را، در یک برنامه تدریجی و تحولی، به آینده‌سازان این کشور منتقل کنیم. در هر جامعه، تمامی این برنامه‌ها و اقدامات، به شدت تحت تأثیر فرهنگ همان جامعه است. نگاه به رفتار جنسی و هویت جنسی نگاهی فرهنگی است و نمی‌توان آن را مستقل از فرهنگ جامعه مورد بررسی قرار داد. این نوع تربیت، احتیاج به پژوهش، استخراج و تدوین دارد. این مقوله قابل ترجمه و کاربست از فرهنگ‌های دیگر هم نیست. از این‌رو هر آنچه که با یک رویکرد بومی در این زمینه تولید می‌شود، باید مورد

بررسی و نقد عاقلانه و منصفانه قرار گیرد تا در طول زمان معنا و مفهوم مناسب خود را پیدا کند.

کلیدواژه‌ها: تربیت، تربیت جنسی، رفتار جنسی، هویت جنسی.

رفتار جنسی

به‌طور کلی رفتار جنسی انسان رابطه‌ای است بین زن و مرد بالغ که هسته مرکزی آن ارتباط کامل جنسی است. این رفتار، یک سیستم پیچیده و همه‌جانبه است و نباید آن را به یک تماس جسمانی، از نوعی که در همه حیوانات شاهدیم، تقلیل داد. کارکردهای چنین رفتاری، به شکل گسترده بر شخصیت و روابط اجتماعی انسان تأثیرگذار است. کسانی که این رفتار را به رفتار حیوانی تقلیل می‌دهند، به روابط انسانی زن و مرد و در نتیجه به

کارکرد دیگر رفتار جنسی، به وجود آمدن عشق عمیق میان زن و مرد است. رفتار جنسی اگر کامل و مطلوب باشد حس عمیقی از دوست داشتن را بین زن و مرد موجب می‌شود. این عشق، زمانی عمیق‌تر احساس می‌شود که با تبادل عاطفی خوبی همراه شود. خالی بودن رفتار جنسی از مبادلات عاطفی، رفتاری شبیه به رفتار حیوانات در تعامل جنسی است

ب. احساس آرامش ناشی از برون‌ریزی‌های جسمانی و روانی (تنش‌زدایی جسمانی و روانی)

کارکرد دیگر رفتار جنسی، تنش‌زدایی^۱ آن است. تنش^۲ احساس فشاری جسمانی-روانی است که آرامش انسان را سلب می‌کند؛ مانند خستگی‌های ناشی از کار و فعالیت، سختی‌های ناشی از تعامل‌های نامالیم با دیگران، تشدید نیازهای جسمانی و روانی و امثال آن. انسان اساساً در جست‌وجوی تنش است. تنش‌ها موجب تنوع و خروج زندگی از یکنواختی می‌شوند. علی‌رغم این، ظرفیت انسان برای تحمل تنش محدود است. وقتی تنش‌ها از حد معینی فراتر روند، باید زدوده شوند. زندگی معمولی انسان یک فرایند تنش‌زاست در عین اینکه مکانیزم‌ها و روش‌هایی نیز وجود دارند که او برای تنش‌زدایی‌ها از آن‌ها استفاده می‌کند. تنش‌زدایی خود لذت‌بخش است. هر قدر تنش‌ها، به لحاظ تنوع و شدت، بیشتر باشند، تنش‌زدایی لذت‌بخش‌تر خواهد بود. غذا خوردن، خوابیدن، نظافت کردن، حرف زدن، ورزش کردن و بسیاری روش‌های دیگر، نقش تنش‌زدایی در زندگی انسان دارند. رفتار جنسی نیز تنش‌زاست و به‌ویژه نقش مهمی در برطرف کردن تنش‌های روانی و جسمانی بر عهده دارد.

تنش‌زدایی رفتار جنسی، بسیاری از دیگر تنش‌های زندگی انسان را تعدیل می‌کند. برای مثال، تنش‌های ناشی از تعامل‌های اجتماعی غلط که انسان‌ها عموماً با آن مواجه هستند از قبیل توهین‌ها، مسئولیت‌ناشناسی‌ها، دردسرتراشی‌ها، خودپسندی‌ها و بسیاری از رفتارهای آزارنده انسان همگی تنش‌زا هستند، اما یک رفتار جنسی کامل، می‌تواند بسیاری از این تنش‌ها را کاهش دهد. این نقش عمومی تنش‌زدایی رفتار جنسی است و تنش‌زدایی ویژه آن از این هم مهم‌تر است می‌توان در موارد زیر نقش این تنش‌زدایی را بر جسته‌تر دید:

تنش‌های ناشی از غریزه جنسی

غریزه جنسی فی‌نفسه تنش‌زاست و به‌عنوان یک محرک درون‌زاد، پیوسته فرد را تحت فشار قرار می‌دهد. این محرک درون‌زاد، وقتی با محرکات بیرونی همراه گردد تشدید می‌شود. طبیعی‌ترین روش تنش‌زدایی در این زمینه رفتار جنسی بهنجار است.

روابط خانوادگی لطمات جدی وارد می‌کنند. پدرانی که از موضع ظاهراً خیرخواهانه آمادگی خود را برای ازدواج پسر خود به محض اظهار تمایل او اعلام کنند، در حقیقت، رفتار جنسی را در حد یک رفع نیاز بدنی تقلیل می‌دهند. این‌گونه پدران گویی نمی‌دانند که آمادگی‌های شناختی، عاطفی، مهارتی و اجتماعی هم‌لازمه ازدواج و انجام رفتار جنسی است. عدم توجه به وجوه پیچیده و پنهان رفتار جنسی موجب بروز انواع نارضایتی‌ها و انواع بهانه‌جویی‌ها در روابط بین زن و شوهر پس از ازدواج می‌شود. این‌گونه است که تعلیم و تربیت، برای انتقال کودک و نوجوان از یک مرحله ساده و اولیه به جایگاه یک زن و مرد، باید در ایفای نقش مؤثر و کارآمد در رفتار جنسی، گام‌های ظریفی بردارد.

برای شناخت بهتر رفتار جنسی، لازم است ابتدا کارکردها و سپس بنیادهای رفتار جنسی را مورد بحث قرار دهیم.

کارکردهای رفتار جنسی

داشتن شناخت از رفتار جنسی بهنجار و مطلوب، برای انجام تربیت جنسی ضروری است. در تعریف رفتار بهنجار جنسی، حد و مرز این رفتار و رابطه بهنجار بین زن و مرد تعیین شده است. لذا هرگونه رفتار جنسی که متمرکز بر خود فرد باشد (مانند خودارضایی) یا بین افراد هم‌جنس و یا افراد متعددی انجام گیرد، رفتاری نابهنجار تلقی می‌شود. این نگاه، همان‌گونه که گفته شد، یک نگاه فرهنگی و مربوط به جامعه اسلامی و ایرانی است. هرگونه تضاد نسبت به این هنجارها نیز، می‌تواند حداکثر جایگاه فرهنگی و متفاوت از فرهنگ بومی ما داشته باشد. سخنان مخالف، هرگز جنبه علمی یا تجربی نداشته و هیچ‌گونه پایگاه مشترک انسانی ندارد.

براساس تعریفی که از رفتار جنسی شد اگر رفتار جنسی به شکل بهنجار انجام گیرد، نتایج زیر را در پی خواهد داشت:

الف. لذت: نخستین و بارزترین کارکرد رفتار جنسی لذتی است که از آن حاصل می‌شود. این لذت، براساس دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران و متفکران، قوی‌ترین لذتی است که انسان در سطح جسمانی می‌تواند تجربه کند. در عین حال محرومیت‌های جسمانی هر قدر تشدید شوند و میزان آن‌ها افزایش پیدا کند، رفع آن‌ها می‌تواند به نسبت میزان محرومیت، با لذت بیشتری همراه شود. به این ترتیب میزان احساس لذت، تابعی است از میزان محرومیت انسان. اگر در مورد رفتار جنسی سخن از لذت‌بخش‌ترین می‌شود یک مقایسه در شرایط مساوی است. در میان نیازهای جسمانی، در شرایط مساوی از لحاظ محرومیت، رفع نیاز جنسی لذت‌بخش‌ترین نوع لذت جسمانی انسان است.

تنش‌های دوری از جنس مکمل

یکی از تنش‌های نسبتاً پنهان و مشتبه‌شونده با نیاز جنسی، تنش‌های ناشی از دوری از جنس مکمل است. همان‌گونه که گفتیم، انسان یک موجود دو جنسیتی است. پس انسان تک جنس موجودی ناقص است. به عبارت دیگر نیمه دیگر در وجود جنس ظاهرأ مخالف و باطناً مکمل او بروز می‌کند. انسان فقط برای برطرف کردن نیاز جنسی خود نیست که به جنس مکمل خود احتیاج دارد بلکه احتیاج او همه‌جانبه است. نکته قابل توجه در این زمینه این است که آنچه موجب می‌شود جوان ازدواج کند، صرفاً نیاز جنسی او نیست، بلکه نیاز گسترده او به نیمه پنهان خویش است. بسیاری از جوانان به هنگام انتخاب جفت مناسب خود، نیاز بالفعلی از تمایل جنسی به سوی او در خود احساس نمی‌کنند، بلکه نیاز به یک همدم و همدل را احساس می‌کنند. آنان با بیان این مطلب که درست است ما در خانواده پدری در کنار دیگران زندگی می‌کنیم ولی احساس تنهایی می‌کنیم، این نیاز خود را به خوبی منعکس می‌کنند. در این سن، فرد به حدی از رشد می‌رسد که دیگر پدر، مادر، خواهر، برادر، دوست و... نمی‌توانند او را از تنهایی خارج سازند بلکه تنها همسر، یعنی فردی از جنس مکمل می‌تواند وی را از تنهایی به در آورد. فرد مجرد به شکل طبیعی، به دنبال نیمه گمشده خویش است و این نیاز گسترده روانی اوست. دوری از این نیمه، موجب تشدید این نیاز می‌شود و یک تنش مستمر را بر وی تحمیل می‌کند. لذا ازدواج و رسیدن به همتای جنسی پاسخ‌دهنده به این تنش است و در مرکز آن یک رفتار جنسی کامل و ایده‌آل قرار دارد.

تنش‌های ناشی از روابط نادرست زناشویی و خانوادگی

یکی از مواردی که رفتار جنسی می‌تواند نقش قاطعی در تنش‌زدایی روانی داشته باشد هنگام بروز اختلافات اجتناب‌ناپذیر بین زن و شوهر یا هر دو با خانواده طرف مقابل است؛ اختلافاتی که ممکن است با مشاجره و قهر، همراه و موجب بروز تنش‌های روانی عمیقی در زن و مرد شود. یکی از قاطع‌ترین روش‌های کاهش این نوع تنش، وجود رفتار جنسی مطلوب است. این همان چیزی است که در زبان عامه این‌گونه مطرح است که: «همسران دعوا کنند؛ ابلهان باور کنند». سز این نکته در این است که مردم مشاجره و منازعه زن و شوهر را می‌بینند ولی خبر از نقش اصلاح‌گری رفتار جنسی آن‌ها ندارند.

ج. احساس عشق و دوست داشتن عمیق

کارکرد دیگر رفتار جنسی، به وجود آمدن عشق عمیق میان زن و مرد است. رفتار جنسی اگر کامل و مطلوب باشد حس عمیقی از دوست داشتن را بین زن و مرد موجب می‌شود. این عشق، زمانی عمیق‌تر احساس می‌شود که با تبادل عاطفی خوبی همراه شود. خالی بودن رفتار جنسی از مبادلات عاطفی، رفتاری شبیه به رفتار حیوانات در تعامل جنسی است.

د. احساس معنویت، پاکی و تقوا در انسان‌های خداگرا

کودک به شکل غریزی می‌داند که رفتار جنسی چگونه انجام می‌گیرد. این نوع دانستن، یک دانش غریزی است و بیشتر به صورت یک قالب رفتاری، نه محتوای آن، نقش آفرینی می‌کند. می‌توان کنجاوی‌های جنسی کودکان، به ویژه پسران را در زمینه بدن بزرگ‌ترها، ناشی از این دانش دانست. در نظر گرفتن این دانش غریزی، در جای خود می‌تواند کمکی برای تربیت جنسی باشد

یکی از کارکردهای رفتار جنسی مطلوب، احساس پاکی، پاکدامنی، تقوا و تقرب در انسان‌های مؤمن است. با توجه به تأکید دین اسلام بر ازدواج و بیان جنبه‌های الهی و معنوی آن، وقتی انسان مؤمن به سمت رفتار جنسی می‌رود، حاصل این عمل، احساس‌های مثبت دینی و معنوی است که به او دست می‌دهد. شاید این جمله امیرالمؤمنین علی (ع) در فرمایش ازدواجش، در پاسخ به سؤال رسول‌الله (ص) که از او پرسید: فاطمه (س) را چگونه یافتی؟ فرمود: «نِعْمَ الْعُونُ عَلٰی طَاعَةِ اللَّهِ»، اشاره‌ای به این جنبه ازدواج باشد.

هـ. استمرار نسل

رفتار جنسی در حد دو فرد باقی نمی‌ماند بلکه تکامل می‌یابد و منجر به استمرار نسل می‌شود. دیدگاه‌های محدود به لذت در مورد رفتار جنسی، دیدگاه‌های ناقص به شمار می‌آیند. برعکس، توجه جامع به رفتار جنسی یک نگاه کامل است؛ نگاهی که فرهنگ اسلامی و ایرانی طرفدار آن است.

هدف از تربیت جنسی باید سوق دادن تدریجی کودک و نوجوان برای انجام چنین رفتار کامل و ایده‌آلی باشد. ما نمی‌توانیم کودک و نوجوان را در تمامی دوران بالندگی اش رها کنیم و هیچ‌گونه تدبیری هم در تربیت جنسی او به کار نبریم اما در عمل چنین رفتار کاملی را از او انتظار داشته باشیم. نبرد اختن درست به تربیت رفتار جنسی، موجب بروز اختلالاتی در کارکرد جنسی افراد شده و در نهایت موجب نارضایتی در تعامل زناشویی می‌شود؛ پدیده‌ای که بسیاری از زوج‌های ایرانی از آن رنج می‌برند و برای بیان آن را نیز ندارند. چنین مشکلاتی اغلب به شکل بهانه‌جویی‌های گوناگون و فراق‌کنی مشکل بر روی مادرشوهر و خواهرشوهر یا اشکال دیگری از فراق‌کنی جلوه‌گر می‌شوند.

اکنون، برای تحقق تربیت صحیح در این راستا، لازم است بنیادهای رفتار جنسی را نیز مورد تحلیل قرار دهیم.

بنیادهای رفتار جنسی

رفتار جنسی و هویت جنسی انسان، بر بنیادهایی استوار است که عدم توجه مریبان به آن‌ها ممکن است موجب بروز انواع اختلالات و انحرافات در رفتار و هویت جنسی دانش‌آموزان شود. مهم‌ترین این بنیادها عبارت‌اند از:

۱. امکانات و آمادگی‌های جسمانی (اندامی، عصبی، هورمونی)

اولین بنیاد رفتار جنسی، ابعاد و جنبه‌های جسمانی فرد است. جنسیت انسان از لحظه لقاح مشخص می‌شود. تخمی^۲ که ترکیب کروموزوم‌های جنسی آن XX است، جنین دختر و تخمی که ترکیب آن XY است جنین پسر را به وجود می‌آورد. جنسیت دختر و پسر براساس ساختار کروموزومی شکل می‌گیرد. این تفکیک، آغاز شکل‌گیری اندام‌های جنسی، ترکیب هورمونی مناسب جنسیت و بسیاری از ویژگی‌هایی است که بعدها و در سن بلوغ، با پیدایش صفات ثانویه جنسی، جنسیت جسمانی دختر و پسر را از یکدیگر متمایز می‌کند که تا پایان عمر استمرار پیدا می‌کند.

نکته مهم در اینجا این است که به رغم مشخص بودن جنسیت ظاهری اکثر نوزادان در بدو تولد، نفس این جنسیت و به تبع آن جنسیت روانی، یک پدیده کاملاً تفکیک‌یافته و دو قطبی نیست؛ به عبارت دیگر میان انسان‌ها تنها به دلیل تفکیک سلولی و حتی پیدایش اندام‌های جنسی و نیز پیدایش صفات ثانویه جنسی، نمی‌توان خطی قاطع کشید و آنان را به زن و مرد تفکیک کرد. زنانگی و مردانگی ظاهری و به دنبال آن جنسیت روانی، بر روی یک طیف یا پیوستار گسترده شده است. وقتی پدیده‌ای به شکل یک طیف باشد، نمی‌توان دقیقاً مشخص کرد که آن پدیده در کجا کاملاً پایان یافته و از آنجا پدیده دیگر آغاز می‌شود. جنسیت انسان نیز بر روی طیفی است که یک سوی آن زنانگی و سوی دیگرش مردانگی است و انسان‌ها بر روی این طیف جایابی می‌شوند. پس جنسیت یک امر منفعل نیست بلکه یک کیفیت متصل است.

یکی از مهم‌ترین ابعاد این پیوستگی طیفی در هورمون‌های جنسی قابل مشاهده است. هورمون‌های زنانه و مردانه در هر دو جنس ترشح می‌شوند با این تفاوت که هورمون‌های زنانه بیشتر در زنان و هورمون‌های مردانه بیشتر در مردان فعال‌اند و شدت این پدیده، در افراد مختلف نیز متفاوت است. میزان ترشح این هورمون‌ها و نسبت آن‌ها به یکدیگر در همه مردان و زنان ثابت نیست. ویژگی‌های رفتاری و ظاهری زنانه و مردانه نیز کاملاً زنان و مردان را از یکدیگر جدا نمی‌کند. مثلاً رویش مو در صورت، که به ظاهر یک پدیده مردانه است، در زنان نیز مشاهده می‌شود. به همین ترتیب صدای ظریف، چربی انباشته شده زیر پوست، ظاهر صورت و بدن و تقریباً تمامی ویژگی‌های تفکیک‌کننده جنسیت، با کمیت و کیفیتی متفاوت بین دو جنس توزیع شده است.

توجه به این ویژگی‌ها، برای تربیت مناسب هر کودک و نوجوان ضروری است. می‌توان بروز برخی از اختلالات جنسی از جمله هم‌جنس‌گرایی یا ترانس‌سکچوالیزم^۳ را، که یک اختلال هویت جنسی است، به دلیل توجه نکردن به تربیتی متناسب با جایگاه فرد در طیف جنسیت دانست.

۲. جنسیت روانی

جنسیت انسان را نمی‌توان به فیزیولوژی بدن محدود کرد. کودکان از اولین سال زندگی خود رفتاری متناسب با جنسیت

خود بروز می‌دهند. در تاریخ بشر تفاوت رفتاری دختران و پسران امری بدیهی و شناخته شده بوده است. رفتارهای ظریف دختران و بازی‌های همراه با آرامش آنان، در مقایسه با جنب‌وجوش و رفتارهای بعضاً خطرناک پسران جالب توجه است. این گونه رفتارها دلالت بر این دارد که علاوه بر جسم، جنبه‌های رفتاری و روان‌شناختی دختران و پسران نیز با یکدیگر متفاوت است. هر چند برخی از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان تلاش بسیار کرده‌اند که اثبات کنند چنین تمایزهایی ناشی از سوگیری‌های اجتماعی بوده و این جامعه است که با کارهایی چون تهیه اسباب‌بازی‌های جنسیتی و مورد علاقه خود یا پوشاندن لباس‌های منتخب خود، از ابتدا تفکیک جنسیتی را به کودکان القا می‌کند، اما تفاوت‌های بین دختران و پسران به گونه و کیفیتی است که نمی‌توان آن‌ها را تنها به القای اجتماعی نسبت داد، بلکه دختران و پسران در جنبه رفتاری و روانی نیز تمایزهای بسیار گسترده‌ای را از خود نشان می‌دهند. در این زمینه، مشاهده دخترانی که پسرانه رفتار می‌کنند، یا پسرانی که دخترانه رفتار می‌کنند، از مشاهدات فراوان پدران و مادران است، با این توضیح که این گونه رفتارها تحت‌تأثیر آموزش و تربیت می‌تواند تغییر کند. گاه پدران و مادران ندانسته بسیاری از رفتارهای کودکان خود را در جهت ایجاد انحراف تقویت می‌کنند. مثلاً پدر و مادرانی هستند که رفتارهای پسرانه دختر خود را تقویت می‌کنند و با افتخار از آن سخن می‌گویند و با سربلندی از مرد بودن دخترشان حرف می‌زنند؛ غافل از اینکه این کار موجب خواهد شد دختر خود را به سمت کسب هویت پسرانه یا مردانه سوق دهند. همین انحراف تربیتی را در مورد پسران نیز می‌توان مشاهده کرد. پسرانی که دارای برخی از رفتارهای دخترانه، از جمله آرامش غیرعادی و نداشتن جنب‌وجوش کافی هستند، در نظر برخی مادران، به عنوان فرزندان آرام و بی‌دردسر، مورد تشویق قرار می‌گیرند که این خود پایه‌ای می‌شود برای شکل گرفتن یک هویت نامتناسب با جنسیت در فرزندشان.

چنین رفتارهایی در سایر زمینه‌ها نیز مشاهده می‌شود. برخی از والدین با تشویق بیش از حد فرزندانشان به انجام رفتارهایی چون نظم، پاکیزگی و دقت، زمینه وسواس را در آن‌ها ایجاد و در واقع یک رفتار انحرافی را در آنان تقویت می‌کنند.

جنبه‌های رفتاری و روانی جنسیت تنها به مواردی که در بالا اشاره شد خلاصه نمی‌شود. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد کودک، رفتار جنسی را همان‌گونه که سایر حیوانات به شکل غریزی می‌دانند، می‌داند. به عبارت دیگر وجود اندام‌های جنسی، به نحوی القاکننده شکل رفتار جنسی نیز هست، یعنی کودک به شکل غریزی می‌داند که رفتار جنسی چگونه انجام می‌گیرد. این نوع دانستن، یک دانش غریزی است و بیشتر به صورت یک قالب رفتاری، نه محتوای آن، نقش آفرینی می‌کند. می‌توان کنجکاو‌های جنسی کودکان، به ویژه پسران را در زمینه بدن بزرگ‌ترها، ناشی از این دانش دانست. در نظر گرفتن این دانش غریزی، در جای خود می‌تواند کمکی برای تربیت جنسی باشد.

۳. رشد بهنجار ابعاد شناختی، عاطفی، حرکتی، اجتماعی و اخلاقی شخصیت منطبق با شرایط و هنجارهای اجتماعی

انجام رفتار سالم جنسی در فرد نمی‌تواند تنها ناشی از وجود امکانات جسمانی و حتی رفتاری در او باشد، بلکه رشد همه‌جانبه شخصیت فرد لازمه موفقیت‌آمیز بودن این رفتار است. وقتی جوانی بدون توجه به جنبه‌های شخصیتی و انسانی، تنها با اتکا بر آمادگی‌های جسمانی، وارد تعامل با جنس مکمل خود شده و بنای تشکیل خانواده را می‌گذارد، نمی‌تواند زندگی موفق‌تری را در کنار همسر خود داشته باشد. عدم رشد متوازن جنبه شناختی و عقلانی، عدم رشد متعادل جنبه‌های عاطفی، اخلاقی و حتی هنری فرد، می‌تواند رابطه ناسالمی را بین او و همسرش به وجود آورد. علت شکست بسیاری از زندگی‌های زناشویی در اوایل زندگی، به دلیل عدم رشد متوازن تمامی جنبه‌های شخصیتی زوجین است. خارج نشدن از خودمیان‌بینی^۵، به‌عنوان یک عنصر شناختی، عدم توجه به نقش انگیزش و عواطف در بروز رفتارها، عدم شناخت کافی از تحول رفتارهای انسان و بسیاری از نکات دیگر، رفتار جنسی و هویت جنسی جوانان را ناقص و نارسا می‌سازد. سومین بنیاد رفتار مناسب جنسی، رشد همه‌جانبه ابعاد شخصیتی فرد است. این رشد باید در قالب فرهنگ و آیین جامعه شکل بگیرد، زیرا فرهنگ است که به رفتارها معنا می‌بخشد و هماهنگی با دیگران از جمله همسر را تسهیل می‌کند.

۴. دوری از آسیب‌های روانی و جسمانی متمرکز بر رفتار جنسی شامل:

علاوه بر بنیادهای بهنجار رفتار، هر فرد، برای داشتن رفتار و هویت جنسی مناسب، ناگزیر است از آسیب‌های روانی و جسمانی در این

زمینه دوری کند. این آسیب‌ها در منابع آسیب‌شناسی به تفصیل و گسترده آمده و در هر صورت یکی از ضروری‌ترین مباحث مربوط به تربیت جنسی است. ضمن در نظر گرفتن رفتار بهنجار جنسی، باید شکل‌گیری رفتار نابهنجار نیز مورد توجه قرار گیرد. می‌توان گفت که سرکوبی‌ها، بازداری‌ها، ضربه‌ها، سوءاستفاده‌های جنسی و تحریک بی‌موقع از انواع آسیب در این زمینه است.

مقصود از سرکوبی^۶ اعمال فشار روانی به کودک است که سبب می‌شود تمایلات و انگیزش‌های او از خودآگاه به ناخودآگاه وی هدایت می‌شود. این امر، یعنی حضور انگیزش‌های مبهم و نامشخص در ناخودآگاه انسان، موجب تحریک او، خارج از عقل و اراده وی، می‌شود. شدت واکنش‌های والدین در مواجهه منفی با مسائل جنسی و اندام‌های مربوط به آن، می‌تواند منجر به سرکوبی شود. در سرکوبی، به ظاهر، انگیزش‌های جنسی اساساً وجود ندارد، در حالی که این انگیزش‌ها در بخش ناخوشیار ذهن انباشته شده و ممکن است به شکل مبدل رفتار فرد را تحت تأثیر قرار دهد.

بازداری^۷ جنبه خودآگاه و نیمه‌آگاه دارد و نوعی جبر و سواس‌گونه را بر رفتار تحمیل می‌کند، بدون اینکه فرد فرصت یا شهامت تحلیل این جبر را داشته باشد. بازداری را در رفتاری چون کم‌رویی یا خجالت می‌توان مشاهده کرد. فرد کم‌رو، با اینکه به رفتار خود آگاه است، نمی‌تواند توقف رفتار خود را مهار کرده و به سمت انجام راحت رفتار مورد انتظار اجتماعی پیش رود. کم‌رویی در اصل ناتوانی در انجام یک رفتار اجتماعی است. در مسائل مربوط به رفتار جنسی ممکن است فرد دچار کم‌رویی متناسب با آن باشد. در مقایسه با کم‌رویی، حیایک توانایی است. انسان با حیا، کسی است که با کنترل معقول و مناسب اجتماعی بر روی خود، رفتار خویش را مهار می‌کند. خطر بازداری‌ها در این است که اگر فرد زمانی شهامت شکستن حریم بازداری‌ها را بیابد، ممکن است تا سر حد هرزگی پیش رود.

ضربه‌ها^۸، وقایع غیر مترقبه‌ای هستند که فرد بدون آمادگی لازم با آن‌ها مواجه می‌شود. آگاهی‌های بی‌موقع نسبت به مسائل جنسی، و بدتر از این مواجهه با آن‌ها، حکم ضربه‌هایی را دارد که موجب به‌هم‌ریختگی روانی کودک و نوجوان می‌شود.

سوءاستفاده‌های جنسی^۹، نیز علاوه بر وارد کردن ضربه به کودک زمینه انتقام‌جویی، همانندسازی با فرد متجاوز و گاه کج‌کارکردی رفتار جنسی را موجب می‌شود.

ادامه دارد...

پی‌نوشت‌ها

1. Tension Reduction
2. Tension
3. Zygote
4. Trance sexualism
5. Ego centrism
6. Repression
7. Inhibition
8. Traumas
9. Sexual abuses

